

عنوان مقاله:

لوايح انتقادى ميرزامجبعلى خان ناظم الملک در رد ادعاهاى ارضى نمايندگان عثمانى

محل انتشار:

پژوهشنامه تاريخ تمدن اسلامى، دوره 49، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نويسنده:

نصراالله صالحى - Assistant Professor, Farhangian University

خلاصه مقاله:

روابط ايران و عثمانى، در سده‌هاى متمدى، بسيار پرفراز و نشيب و همراه با جنگ و صلح بود. توسعه‌طلبى ارضى در مرزهاى شرقى، سياست ثابت دولت عثمانى بود. با انعقاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۲۶۳/۱۸۴۷)، جنگ‌هاى متعدد و طولانى پايان يافت و مقرر شد اختلاف‌ها به ويژه درباره مرزها در كميسيون‌هاى تحديد حدود و از راه مذاكره حل و فصل شود. با الويت ديپلماسى به جاي جنگ، فصل جديدى در روابط دو دولت آغاز شد. فصلى كه هنوز مطالعه بايسته درباره آن صورت نگرفته است. نوشتار حاضر مى‌كوشد تا نشان دهد كه ماموران عثمانى چون درويش‌پاشا و خورشيدپاشا چگونه در كميسيون‌هاى تحديد حدود مى‌كوشيدند توسعه‌طلبى ارضى دولت عثمانى را در شكل و قالب ديگرى دنبال كنند. ميرزامجبعلى‌خان با نگارش لوايح انتقادى، ماهيت اهداف نمايندگان عثمانى را روشن ساخت و به نقد و رد ادعاهاى ارضى آنها پرداخت. پژوهش حاضر با روش تاريخى و رويکرد توصيفى تحليلى، با تكيه بر اسناد و منابع اصيل به اين پرسش‌ها پاسخ مى‌دهد كه ادعاهاى ارضى نمايندگان عثمانى بر چه پايه و اساسى استوار بود؟ و نقد و رد ادعاهاى آنها از سوي نماينده ايران تا چه حد منطقى و مستدل بود؟

كلمات كليدى:

Mirza Moheb'Ali Khan, Nazem'ol-Molk, Dervish Pasha, Khorshid Pasha, Demarcation, boundary, Iran and Ottoman

لينك ثابت مقاله در پايگاه سيويليكا:

<https://civilica.com/doc/1892748>

